

« به نام خدا »

درس هفدهم :

فواب شیرین



به تنه‌ی درختی تکیه زد.
با خود گفت: «اندکی اینجا استراحت می‌کنم و سریع به راه می‌افتم».

عجله داشت. امام او را به دنبال کار مهمی فرستاده بود.
نفس عمیقی کشید. به یاد روزهای تلخ گذشته افتاد.

روزهایی که ناچار بود به دیگران التماس کند تا کاری به او بدهند و با مزد آن غذایی تهیه کند. غذایی برای خود و برای مادر بیمار و خواهر کوچکش.

به یاد روزی افتاد که تا شب پولی به دست نیاورده بود. گرسنه و خسته در کوچه نشسته بود و گریه می‌کرد که ناگهان دست مهربان مردی را روی شانهای خود احساس کرد.

امام از او خواست هر روز پیش او بیاید تا هم به او کار دهد و هم به او خواندن و نوشتن بیاموزد.

حالا چند ماه از آن روز گذشته است. از آن روز، دیگر هیچ وقت او و خانواده‌اش گرسنه نمانده‌اند.

در همین فکرها بود که آرام در زیر سایه‌ی درخت خوابش برد.
ساعتی گذشت و او همچنان خواب بود.

ظهر بود و آفتاب به صورتش می‌تابید. دانه‌های درشت عرق، از پیشانی‌اش بر زمین می‌چکید.

ناگهان احساس کرد نسیم خنکی به صورتش می‌وزد. فکر کرد شاید ابرها جلوی خورشید را گرفته‌اند. حالا راحت‌تر می‌توانست

بخوابد! نه آفتابی بود و نه گرمایی!





مدتی گذشت.

چشمانش را باز کرد.

اول فکر کرد خواب می‌بیند؛ اما نه!

امام بالای سرش ایستاده بود!

باورش نمی‌شد! نسیمی در کار نبود!

این امام صادق علیه‌السلام بود که در این مدت او را باد می‌زد.

امام در برابر خورشید ایستاده بود تا آفتاب به او نتابد. عرق از سر و

صورت امام جاری شده بود.

آه! کار امام را فراموش کرده بود!

نمی‌دانست چه بگوید!

آقای من، مرا...

امام نشست. دستی بر سر او کشید و گفت: «دیر کردی. نگرانت شدم و

به دنبالت آمدم.»

امام جعفر صادق علیه السلام، ششمین امام ما و فرزند امام محمد باقر علیه السلام است؛ آن حضرت در مدینه زندگی می‌کرد. لباس ساده و تمیز می‌پوشید و به نیازمندان کمک می‌کرد. او نیز مانند پدرش، همه‌ی مردم را به علم‌آموزی تشویق می‌کرد و خود، شاگردان زیادی را تربیت کرد که بعضی از آنان، دانشمندان بزرگ زمان خود شدند. امام جعفر صادق علیه السلام همیشه با ستمکاران مبارزه می‌کرد. سرانجام ایشان نیز به دست حاکم ستمگر زمان خود به شهادت رسید و در قبرستان بقیع، در کنار پدر و پدر بزرگش به خاک سپرده شد.

گفت و گو کنیم

به نظر شما چرا نام این داستان، «خواب شیرین» گذاشته شده است؟
چون آن فرد با خیال راحت و بدون نگرانی و با فک‌های خوب به خواب رفته بود و امام نه تنها او را تنبیه نکرد بلکه مانع از تابش خورشید بر او شده بود و همچنین او را باد زده بود تا راحت بخوابد.

فکر می‌کنم

آن جوان امام را خیلی دوست داشت؛ زیرا... .

مثل یک پدر مهربان و دلسوز به او کار داده بود و او را از سختی‌ها نجات داده بود.



امام صادق علیه السلام می فرماید:
«از نشانه های مؤمنان است:
راست گویی، امانت داری، وفای به عهد (خوش قولی)،
دیدار خویشاوندان و مهربانی با نیازمندان».

به نظر شما داستان «خواب شیرین» با کدام یک از این نشانه ها ارتباط دارد؟

وفای به عهد

مهربانی با نیازمندان



وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا

اشتباه دیگران را ببخشید و از خطای آن‌ها بگذرید.

سوره‌ی نور، آیه‌ی ۲۲

چه ارتباطی میان معنای آیه و داستان «خواب شیرین» وجود دارد؟

امام صادق (ع) با اینکه می‌توانستند آن شخص را به دلیل انجام ندادن وظایف
مجازات کنند، ولی از خطایش گذشتند و با مهربانی رفتار کردند. ما هم باید از این کار
امام درس بگیریم.

دوست دارم

من هم رفتاری مانند امام صادق علیه السلام داشته باشم. بنابراین، سعی می‌کنم:

- به نیازمندان کمک کنم.
- با کوچک‌تر از خودم با محبت و مهربانی رفتار کنم.
- دوستانم را به انجام کارهای خوب تشویق کنم.

• در مسکنم

بگرد و پیدا کن

فرزندِ امام **مهد باقر (ع)**

ششمین **امام**

امام صادق
عليه السلام

نامش: **جعفر**

تشویق کننده به **علم آموزی**

۱۱۲

۱۱۳

بین و بگو

داستان این تصویر را به یاد می‌آوری؟
چه ارتباطی با داستان «خواب شیرین» دارد؟

هر دو داستان بیانگر گذشت
و مهربانی امامان بزرگوار
است .



داستان مردی بود که به
امام حسن (ع) توهین کرد
ولی امام با آرامش به
سفن او گوش داد و او را
راهنمایی کرد . آن مرد از
رفتار خود پشیمان شد و
عذرخواهی کرد .

اجرای نمایش

به کمک دوستانتان، نمایشی درباره‌ی مهربانی و گذشت از اشتباه
دیگران در کلاس بازی کنید.

پا خانواده

تحقیق کنید که چند تن از امامان ما، در قبرستان بقیع دفن شده‌اند؟
نام آن‌ها را بنویسید.

امام حسن (ع) ، امام سجاد (ع) ، امام محمد باقر (ع) ، امام جعفر صادق (ع)

۱۱۳

۱۱۴